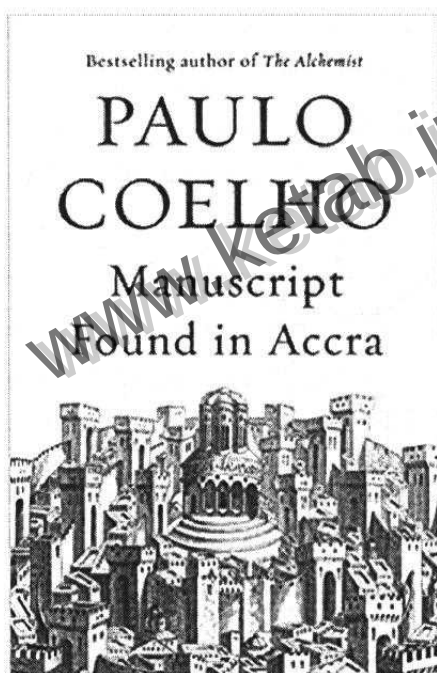


دست نوشته های آکرا



پائولو کوئیلو

مترجم: زهرا صابری اسفید واجانی

عنوان:	دست نوشته های آکرا
نویسنده:	پائولو کوئیلو
مترجم:	زهره صابری اسفید واجانی
ناشر:	انتشارات باور موفق
صفحه آراء:	گرافیک جوانه
شمارگان:	۵۰۰ نسخه
نوبت و تاریخ چاپ:	اول ۱۴۰۱
چاپ:	شمیم
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۳۲-۸-۱
قیمت:	۵۰۰۰ تومان



انتشارات باور موفق

مرکز پخش و فروش: قم، خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، کوچه ۷، پلاک ۵

مرکز آموزشی پژوهشی درمانی باور

شماره تماس: ۰۲۵۳۷۷۳۴۰۱۷

شماره موبایل: ۰۹۳۵۲۳۱۰۶۱۹

در دسامبر سال ۱۹۴۵، دو برادر به دنبال مکانی برای استراحت بودند که کوزه‌ای پراز پاپیروس را در غاری در منطقه‌ای از همرا دام^۱ در مصر علیا پیدا کردند. مطابق با قانون آنها موظف بودند که این مسئله را با مسئولان منطقه در میان بگذارند اما به جای آن تصمیم گرفتند که آنها را یکی یکی در بازار عتیقه به فروش برسانند تا بدین ترتیب توجه دولت جلب نشود. مادر این جوانان که از این "انرژی منفی" این کار می‌ترسید، چند عدد از پاپیروس تازه کشف شده را سوزانده.

سال بعد، به دلایلی که در تاریخ ثبت نشده است بین برادران اختلاف افتاد. مادر که این نزاع را به آن انرژی‌های منفی فرضی نسبت داده بود، تصمیم گرفت که این دست‌نوشته‌ها را به یک کشیش بدهد و او نیز یکی از آنها را به "موزه قبطیک قاهره" فروخت. در آن موزه، این دست‌نوشته‌ها نامگذاری شدند. نامی که تا به امروز روی آنها مانده است: دست‌نوشته‌هایی از ناگ حمدی^۲ (منطبق بر نزدیک‌ترین شهر به غاری که آنها را پیدا کردند). یکی از کارشناسان موزه و تاریخ‌دان مذهبی، ژان دوروس، به اهمیت این اکتشاف پی برده و برای نخستین بار در یکی از کتابهای منتشر شده در سال ۱۹۴۸ به آن اشاره کرد.

کم‌کم بقیه‌ی پاپیروس‌ها در بازار سیاه پیدا شدند. دولت مصر در تلاش بود که از خروج دست‌نوشته‌ها از کشور جلوگیری کند. پس از انقلاب سال

1. Hamra Dom

2. Nag Hammadi

۱۹۵۲، بخش عمده‌ای از این دست‌نوشته‌ها به موزه‌ی قبطیک قاهره راه پیدا کرده و به میراث ملی تبدیل شدند. دست‌آنها فقط به یکی از نوشته‌ها نرسید و بعدها مشخص شد که آن نوشته در یک عتیقه‌فروشی در بلژیک است. تلاش‌ها برای فروش آن در نیویورک و پاریس به نتیجه‌ای نرسید و در نهایت در سال ۱۹۵۱، موسسه‌ی کارل یونگ آن را خریداری کرد. با مرگ روانکاو مشهور، دست‌نوشته که حالا با نام یونگ کدکس شناخته می‌شود به قاهره بازگردانده شد و نزدیک به هزار صفحه و بخشهایی از دست‌نوشته از ناگ حمدهی اکنون در آنجا یافت می‌شود.

این پایپروس‌ها ترجمه‌های یونانی متونی هستند که بین اواخر قرن اول پیش از میلاد مسیح تا سال ۱۸۰ پس از میلاد مسیح نوشته شده‌اند و همچنین بدنه‌ی اصلی اناجیل اپوکریفال را شکل می‌دهند زیرا آنها آنطور که ما تصور می‌کنیم در انجیل دیده نمی‌شوند. دلیل آن چیست؟

در سال ۱۷۰ میلادی، گروهی از اسقف‌ها گرد هم آمدند تا درباره‌ی این موضوع که کدام یک از متون در "عهد جدید" جا داده شوند به یک تصمیم مشترک برسند. معیار آنها بسیار ساده بود: هر چیزی که برای مقابله با کفر و عقاید تفرقه‌افکن آن دوره کارایی داشته باشد باید در آن گنجانده شود. اناجیل اربعه‌ای که ما اکنون می‌شناسیم و نامه‌هایی از حواریون که طبق نظر اسقف‌ها با اصول و مبانی اولیه‌ی مسیحیت "منسجم" و یا منطبق باشند انتخاب شدند. در کتاب موراتورین کائن^۱، گردهمایی اسقف‌ها و فهرست کتابهای مجاز آنها اشاره شده است. دیگر کتابها مانند کتابهایی که در ناگ حمدهی موجود بودند از این فهرست حذف شدند زیرا یا توسط زنان نوشته شده بودند (مانند انجیل به روایت مریم مجدلیه) و یا مسیحی را توصیف

کرده بودند که از مأموریت الهی خود آگاه بود و بدین ترتیب مرگ او کمتر دردآور می نمود.

در سال ۱۹۷۴، یک باستان شناس انگلیسی به نام سروالتر ویلکینسون^۱ یک دست نوشته ی دیگر را که این بار به سه زبان نوشته شده بود پیدا کرد: عربی، عبری و لاتین. او که از قوانین حفاظتی آن منطقه آگاه بود، تصمیم گرفت متن را به بخش عتیقه ها در موزه ی قاهره ارسال کند. مدتی بعد، پاسخی را با این مضمون دریافت کرد: حداقل ۱۵۵ نسخه از این سند در سراسر جهان وجود دارند (سه نسخه از آنها در موزه بودند) و همه ی آنها تقریباً شبیه به هم هستند. تست کربن - ۱۴^۲ (که برای تعیین عمر مواد آلی به کار می رود)، مشخص کرد که این سند تقریباً جدید بوده و به سال ۱۳۰۷ میلادی برمی گردد. این اصلاً کار سختی نبود که اصالت نسخه را به آکرا که خارج از قلمرو مصر بود نسبت دهند. بنابراین، در ارتباط با انتقال آن از کشور هیچ گونه محدودیتی وجود نداشت و سروالتر همچون کتبی این کار را از دولت مصر دریافت کرد (شماره - ۷۵ IFP / ۱۹۰۱ / ۳۱۷، RF تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۴) تا آن را به خود به انگلستان ببرد.

من پسر سروالتر را در کریسمس ۱۹۸۲ در پورت مادوگ^۳ ایالت ولز^۴ ملاقات کردم. یادم می آید که در مورد دست نوشته ای که پدرش آن را پیدا کرده بود صحبت کرد اما هیچ یک از ما دو نفر چندان توجهی به آن نکردیم. در آن سالها رابطه ی صمیمی بین ما شکل گرفت و حداقل دو بار دیگر که برای معرفی کتابهایم به ولز رفتم با او ملاقات کردم.

1. Sir Walter Wilkinson

2. Carbon - 14

3. Porthmadog

4. Wales